



عزم برای تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت / وداع با توسعه تجدیدی

فراخوان رهبر انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت از عزم و جدیت خلل‌ناپذیرشان در ایجاد تحولات ساختاری و کلان، خبر می‌دهد و نشانگر افق تجدیدزوده و غیرغربی است.

فراخوان رهبر انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه [zwnj&](#); اسلامی ایرانی پیشرفت از عزم و جدیت خلل [zwnj&](#); ناپذیرشان در ایجاد تحولات ساختاری و کلان، خبر می [zwnj&](#); دهد و نشانگر افق تجدیدزوده و غیرغربی است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه_مهدی جمشیدی*: فراخوان رهبر انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه [zwnj&](#); اسلامی ایرانی پیشرفت که در بیست [zwnj&](#); و دوم مهرماه منتشر شد، آنان را که دل در گرو حرکت ساختاری انقلاب به [zwnj&](#); سوی غایات و مقاصد قدسی [zwnj&](#); اش دارند، بسیار خرسند و خشنود ساخت و به آینده [zwnj&](#); انقلاب، بیش [zwnj&](#); از پیش، امیدوار و خوشبین کرد. گامی که ایشان برداشت، از عزم و جدیت خلل [zwnj&](#); ناپذیرشان در ایجاد [laquo&](#); تحولات ساختاری و کلان [raquo&](#);، خبر می [zwnj&](#); دهد و نشانگر [laquo&](#); افق تجدیدزوده و غیرغربی [raquo&](#); ای است که ایشان برای جامعه [zwnj&](#); ایران در نظر گرفته است. اینک با تکیه بر تجربه [zwnj&](#); های انبوه تلخ [zwnj&](#); و شیرین چهار دهه [zwnj&](#); گذشته و ذهنیت فارغ از ابهام [zwnj&](#); ها و تردیدهای ناشی از فقر مشاهدات و مواجهات مستقیم، به [zwnj&](#); روشنی می [zwnj&](#); دانیم که چه نمی [zwnj&](#); خواهیم و چه نمی [zwnj&](#); خواهیم.

امروز بر یقین و قطعیت ما افزوده شده و سطح مباحثات ما از لایه [zwnj&](#); نظری و انتزاعی محض، به لایه [zwnj&](#); عملی و عینی، تغییر یافته است و به این واسطه، دیگر جایی برای توجیه و تعویق باقی نمانده است. باید انقلاب را با شتابی خیره [zwnj&](#); کننده و محسوس، پیش بُرد و از نظامات و ساختارهای اجتماعی، [laquo&](#); تجدیدزایی [raquo&](#); کرد و به تمیم و تکمیل انقلاب کبیر اسلامی، اهتمام ورزید.

تاریخ در انتظار گام [zwnj&](#); های بلند و دگرگونی [zwnj&](#); بخش ماست و فردا، فردایی [zwnj&](#); است که به حول [zwnj&](#); و قوه [zwnj&](#); الهی، آکنده از اتفاقات درخشان و چرخش [zwnj&](#); های قدسی مهارنشده خواهد بود. آری، روزهایی در راه است که در آنها، گشایش [zwnj&](#); ها و فتوحات تاریخی امام خمینی، بیشتر نمایان خواهند شد و تجلی عظمت انقلاب، چشم [zwnj&](#); های همگان را پُر خواهد کرد. انقلاب، در ابتدای راه تاریخی خویش قرار دارد و هنوز به تمامیت خود نرسیده است؛ اینک نه زمان تردید و تزلزل، بلکه هنگامه [zwnj&](#); خروشیدن و برآشوبیدن انقلاب در برابر نظم تجدیدی حاکم بر جهان است و ما در مرحله [zwnj&](#); عبور از پیچ تاریخی قرار داریم. تاریخ فردا، با تاریخ امروز، بسیار متفاوت خواهد بود و عالم و آدم تازه [zwnj&](#); ای پا به عرصه خواهند نهاد. در جهانی که پس از این پیچ تاریخی در انتظار ماست، غرب متجدد، حاشیه [zwnj&](#); نشین و بی [zwnj&](#); رمق خواهد بود و جابجایی [zwnj&](#); های بزرگی به وقوع خواهند پیوست.

کاری که امروز رهبر حکیم انقلاب به آن همت گمارده و بی [zwnj&](#); اعتنا به دغدغه [zwnj&](#); سازی [zwnj&](#); ها و غوغا سالاری [zwnj&](#); های اصحاب نفاق و تزویر، آن را پیش می [zwnj&](#); برد، در حکم مقدمه و بستری [zwnj&](#); است که آنچنان فردایی را رقم خواهد زد. در حقیقت، چون نگاه ایشان معطوف به آنچنان فردایی است، مرعوب تنگناها و مشقات مقطعی نمی [zwnj&](#); شوند و خود را در برابر افت [zwnj&](#); ها و نشیب [zwnj&](#); های موسمی و گذار، نمی [zwnj&](#); بازند، اما دیگرانی که چشم آینده [zwnj&](#); نگر و معرفت متمم‌قانه ندارند، تصوّر می [zwnj&](#); کنند که انقلاب امام خمینی که دست غیبی خدای متعال، نگهبان آن است، در مقابل تکانه [zwnj&](#); ها و تنش [zwnj&](#); هایی که دل آنها را می [zwnj&](#); لرزاند، سر تسلیم فرود می [zwnj&](#); آورد و فرومی [zwnj&](#); پاشد، ولی ما امروز، بیش از گذشته، به تداوم و تعالی انقلاب و شکوفایی آن در عرصه [zwnj&](#); جهانی باور داریم:

انبیا گفتند نومیدی بدست/ فضل و رحمت [zwnj&](#); های باری، بی [zwnj&](#); حدست/ از چنین مُحسن، شاید ناامید/ دست در فتراک این رحمت زبید/ ای بسا کارا که اول، صعب گشت/ بعد از آن بگشاده شد، سختی گذشت (مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت [zwnj&](#); های ۲۹۲۳-۲۹۲۴).

بر اساس چنین برداشتی، نگاهی اجمالی به فرازاها و بندهایی از فراخوان ایشان می [zwnj&](#); اندازیم و در حد بضاعت اندک خویش، لطایف و دقایق را ساخته [zwnj&](#); و پرداخته می [zwnj&](#); کنیم.

پیشرفت، در حکم پیش‌زن؛ درآمد رخ‌زن؛ نمودن طلّیعه‌زن؛ مبارک تمدّن نوین اسلامی ایرانی است. بنابراین، این الگو با شکل‌زن؛ گیری تمدّن اسلامی نیز پیوند دارد و مرتبط است و باید آن را از جمله مقدمات تمدّن‌زن؛ پردازی اسلامی شمرد. تمدّن اسلامی، آن‌زن؛ گاه پدید خواهد آمد که ما به‌زن؛ عنوان مسلمان، به‌زن؛ طور کلی از عالم معنایی تجدد غربی خارج شویم و در فضایی اسلامی و مبتنی بر ارزش‌زن؛ های اصیل آن، تنفس کنیم، نه این‌زن؛ که همچنان در بنیادی‌زن؛ ترین طرح‌زن؛ ها و الگوهای جامعه‌زن؛ پردازی و حکمرانی خویش، دنباله‌زن؛ رو و وام‌زن؛ دار غرب باشیم و تقلید و ترجمه را ترک نگفته باشیم. این وضع، هنگامی تغییر می‌زن؛ کند که به اندوخته‌زن؛ ها و میراث معرفتی خودی رجوع کنیم و بر اساس آنها، سیاست‌زن؛ پردازی کنیم:

گر نه تهی باشدی، بیشترین جوی‌زن؛ ها/ خواجه چرا می‌زن؛ دود، تشنه در این کوی‌زن؛ ها؟! / خُمکه در او باده نیست، هست خُم از باد پُر/ خُم پُر از باد کی، سرخ کند روی‌زن؛ ها؟! (دیوان شمس، غزل شماره ۲۱۰). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، چنین شأن و منزلتی دارد.

[۳]. الگوی پیشرفت از چشم‌زن؛ انداز تحقق و تعین

دسته‌زن؛ دیگری از مسأله‌زن؛ ها، به چگونگی عملیاتی‌زن؛ شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باز می‌زن؛ گردند که در حکم منزل و مرحله‌زن؛ نهایی هستند، چون تمام کوشش‌زن؛ ها و زحمات، آن‌زن؛ گاه نتیجه‌زن؛ بخش و نافع خواهد بود که در عمل و در زندگی روزمره، اتّفاق‌زن؛ های بزرگ و متفاوتی رخ دهد و جهان اجتماعی ما، از افق اقتضانات و تحمیل‌زن؛ های ایدئولوژی‌زن؛ ها و نسخه‌زن؛ های غربی خارج گردد:

پس پیمبر گفت بهر این طریق/ باوفا تر از عمل، تَبَوّد رفیق (مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بیت ۱۰۵۱).

بر این اساس، پاره‌زن؛ ای نکات و دقایق نیز در این زمینه بیان شده که به‌زن؛ راستی، درخور توجّه و اعتنا هستند.

[الف]. به باور رهبر انقلاب، پیشرفت، مستلزم تحوّل مطلوب نفوس انسانی است؛ یعنی پیشرفت در برداشت و معنای اسلامی‌زن؛ اش، آن‌زن؛ گاه تحقق می‌زن؛ یابد و در نظامات اجتماعی، متجلی می‌زن؛ گردد که در لایه‌زن؛ خرد و فردی، تحوّل رخ داده باشد و انسان، به انسان دیگری تبدیل شده باشد. به این ترتیب، تغییر آدم بر تغییر عالم، تقدّم دارد و نقطه‌زن؛ آغاز و مبدأ تحوّل، خود انسان و عالم درونش است. اگر چنین شود، می‌زن؛ توان به تحولات بیرونی نیز امید داشت، اما چنانچه پیشرفت، تنها در لایه‌زن؛ های ساختاری و بیرونی و ظاهری، محدود شود و انسان، همان که بوده، باقی بماند و سیر انفسی تکاملی را طی نکند، پیشرفت و تکامل بیرونی نیز یا تحقق نخواهد یافت، یا صوری و ظاهری خواهد بود، یا دوام و ماندگاری نخواهد داشت. پس این تحلیل، هم به سطح خرد اعتنا می‌زن؛ کند و هم به سطح کلان و هیچ‌زن؛ یک را فدای دیگری نمی‌زن؛ کند، بلکه این دو سطح را، در کنار یکدیگر و متمم یکدیگر می‌زن؛ انگارد. این در حالی‌زن؛ است که در بسیاری از تحلیل‌زن؛ ها و تجویزهای اجتماعی، از سطح فردی و انسانی غفلت می‌زن؛ شود و همه‌زن؛ اتّفاقات و رخدادها، در سطح بیرونی و عینی، محدود می‌زن؛ گردد و به این مسأله اهتمام نمی‌زن؛ شود که چنانچه در انسان، تحوّل باطنی رخ ندهد، در حقیقت، تحوّل رخ نداده است.

از این‌زن؛ رو، ایشان تأکید می‌زن؛ کند که پیشرفت، وابسته به ایمان و عزم، تلاش مّلی و صبر و مداومت همگانی است؛ اینها همگی عناصر و اجزایی هستند درونی و باطنی که نتایج و دلالت‌زن؛ های عملی و رفتاری دارند و موجبات تحولات اجتماعی را فراهم می‌زن؛ کنند:

[ب]. از طرف دیگر، رهبر انقلاب از سطح ساختاری و بیرونی نیز غفلت نمی‌زن؛ کند و به آن نیز می‌زن؛ پردازد و می‌زن؛ نویسد پیشرفت، مستلزم تحوّل مطلوب هنجارها و سازوکارهای اجتماعی است؛ یعنی باید در هنجارها و سازوکارهای اجتماعی نیز تغییرهایی به‌زن؛ وقوع ببیوند تا زمینه و بستر برای تحقق‌زن؛ یافتن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فراهم شود. به‌زن؛ عبارت دیگر، وضع بیرونی و اجتماعی نیز همانند وضع درونی و باطنی، امری تعیین‌زن؛ کننده است و می‌زن؛ تواند روند پیشرفت را مختل و حتّی متوقف کند. در اینجا، مقصود از هنجارها و سازوکارهای اجتماعی، رفتارها و مناسباتی است که در عرصه‌زن؛ عمومی، مستقر است و ضدّ پیشرفت به‌زن؛ شمار می‌زن؛ آیند؛ چراکه در نقش موانع بازدارنده ظاهر می‌زن؛ شوند و مجال نمی‌زن؛ دهند الگوی پیشرفت، در مسیری هموار به حرکت درآید. مقولاتی که ایشان در قالب نقد سبک زندگی در سال‌زن؛ های گذشته

مطرح کردند و پس از آن نیز اشاراتی در این‌ها؛ باره داشته، جزو آن دسته از هنجارها و سازوکارهای اجتماعی هستند که باید دگرگون شوند. سرفصل کمک عمومی مردم برای اجرای الگو که ایشان به آن اشاره کرده‌اند؛ بیانگر همین واقعیت است؛ یعنی اگر مردم به‌صورت خودجوش و مسئولانه، در ساحات و شئون اجتماعی خویش، تجدیدنظر کنند و عوامل مزاحم و مانع را از آن بزدایند، به‌قطع، نقش بسیار مهمی در جاری‌شدن الگوی پیشرفت، ایفا کرده‌اند.

[ج]. نکته‌ی دیگر این است که بنا به ضرورت‌ها و مقدمات یاد شده، وقوع پیشرفت، امری تدریجی و طولانی است و این‌گونه نیست در کوتاه‌مدت، اتفاقات بزرگ و آنچنانی به‌وقوع بپیوندد. نه تحول مطلوب نفوس انسانی و نه تحول مطلوب هنجارها و سازوکارهای اجتماعی، کارهایی هستند که ناگهانی و دفعی صورت پذیرند و به این واسطه، ما را با شتاب معجزه‌آسا، به‌سوی الگوی پیشرفت سوق دهند، بلکه به‌قطع، باید در انتظار نشست تا در چشم‌اندازی؛ اساساً، به‌سوی الگوی پیشرفت سوق دهند، بلکه و وضع باطنی و وضع اجتماعی، تغییر کنند. کسانی‌که با واقعیت‌های جامعه و تاریخ، بیگانه‌اند و تصور می‌کنند خواسته‌ها و مقاصد انسان، به‌سرعت تحقق می‌یابند، نمی‌توانند این روند تدریجی و طولانی را برتابند و محدودیت‌های مقدورات انسان را بپذیرند، از این‌رو، زبان به شکوه و نقادی می‌زنند؛ گشایند و دلسردی و نومیدی می‌پراکنند، در حالی‌که هدف‌های بزرگ، محتاج صبر و پمأنینه است و شتاب‌زدگی و هیجان‌مداری، کارها را دچار اختلال می‌کند:

صد هزاران کیمیا حق آفرید/ کیمیایی همچو صبر، آدم ندید (مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۱۸۵۴).

بر این اساس، رهبر انقلاب می‌نویسد باید اولاً، نسخه‌ی ارتقاء یافته‌ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، حداکثر ظرف دو سال آینده، برای تصویب و ابلاغ ارائه شود، ثانیاً، از ابتدای قرن پانزده هجری شمسی، اجرای الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، با مقدمات کافی و سرعت مطلوب، آغاز شود و امور کشور، بر مدار آن قرار گیرد.

[د]. همچنین باید افزود که تحقق الگوی پیشرفت، کاری دشوار، اما ممکن و شیرین است. این کار، دشوار است، چون امری کلان و پهن‌دامنه است که در برابر تحقق آن، موانع بازدارنده‌ی سختی وجود دارند که زدودن و طرد کردن‌شان، آسان نیست و به اراده‌ی پولادین مردانی نیاز دارد که مشقات و مصائب را به جان بخرند و از دشمنان تحقق اجتماعی و ساختاری توحید نهراسند و گام‌های بلند بردارند: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْحِجَّةَ حُقَّتْ يَالْمَكَارِهِ إِنَّ التَّارَ حُقَّتْ يَالشَّهَوَاتِ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَا مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي كَرٍّ وَ مَا مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةٍ؛ همانا رسول خدا (ص) فرمود: گرداگرد بهشت را دشواری‌ها فرا گرفته است، و گرداگرد دوزخ را هوس دنیا. بدانید که چیزی از طاعت خدا نیست جز ۷ این‌ها؛ که با کراهت انجام گیرد و چیزی از معصیت خدا نیست، جز این‌ها؛ که با میل و رغبت (نهج‌البلغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، خطبه ۱۷۶).

هیچ زمانی، ساختن تاریخ جدید و شکستن سدها و موانعی که در طول قرن‌ها شکل گرفته‌اند، ساده و آسان نبوده که انتظار داشت، امروز چنین باشد. پس باید دشواری‌ها؛ را جزو ذات و سرشت این راه قلمداد کرد و به محض رویارویی با تلخی‌ها و ناهمواری‌ها، نومید نگشت و از امکان به امتناع نرسید:

عزّت مخزن بُود اندر بها/ که برو، بسیار باشد قفل‌ها/ عزّت مقصد بُود ای مُمتَحَن/ پیچ‌ها؛ پیچ راه و عقیهو راه‌ها؛ زن (مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بیت‌های ۳۲۲۲-۳۲۲۳).

[هـ]. انقلاب اسلامی، از هنگام شکل‌گیری تاکنون که چهل‌ساله گشته است، همواره بر امدادهای غیبی و الهی تکیه داشته و دست نصرت و هدایت خدای متعال، تدبیر آن را برعهده داشته است. امروز نیز که سخن از تحقق الگوی پیشرفت است، نگاه ما به فضل و رحمت الهی است و هرگز بر این باور نیستیم که بدون حمایت و مدد الهی، این کار به سرانجام خواهد رسید. چنانچه فضل و رحمت الهی به این کار تعلّق گیرد، نتیجه و فرجام چنان شود که حیرت، همگان را فراگیرد:

مَرِّ جمادی را کند فضلش، خبیر/ عاقلان را کرده قهر او، ضریب (مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۵۱۳).

بر این اساس، رهبر انقلاب تصریح می‌کند که تحقق الگوی پیشرفت، وابسته به تفصّلات الهی؛ است. پس باید مقدمات و پایه‌های تعلّق گرفتن تفصّلات الهی را در خویش ایجاد کرد و در هر لحظه، در طلب

فراهم ساختن رضای الهی بود و این، متوقف بر سعی خالصانه است:

ذره‌ای گر جهد تو افزون بود/ در ترازوی خدا، موزون بود (مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۱۴۵).

[و]. در نهایت ایشان می‌نویسند تحقق الگوی پیشرفت، کاری عظیم است. اگر به آنچه که تاکنون در این‌باره بیان شد، اعتنا شود، آشکار می‌شود که به‌واقع، این کار، کاری عظیم است؛ چون در سایه‌ی آن، حرکت تکاملی انقلاب، شتاب فراوان می‌گیرد و اتفاقات چشمگیر و تاریخ‌ساز رخ خواهند داد، در حالی‌که ادامه‌ی وضع موجود، انقلاب را در حصار و تنگنای محدودیت‌های خودساخته و تجددی، نگاه خواهد داشت و مجال فتوحات آنچنانی را به آن نخواهد داد. پس عظمت این کار، به عظمت نتایج و ثمرات مترتب بر آن بازمی‌گردد.

[۴]. الگوی پیشرفت از چشم‌انداز منطق مواجهه و ارزیابی

[الف]. غایت و هدف بررسی نسخه‌ی حاضر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عبارت است از ارتقای نسخه‌ی حاضر الگو از طریق ارائه‌ی پیشنهادهای ضروری، عملی، مشخص و تکمیلی و همچنین، مشارکت جستن در ترسیم پیشرفت کشور. پس آنچه که نگاشته شده، گامی‌ی است ابتدایی و محتاج تأمل و تدقیق بیشتر و راه بر نقدی و بازاندیشی، بسته نیست و با این‌که جمع‌ی آن را نگاشته‌اند، باز هم باید از عقول بیشتری بهره‌برد و اندیشه‌ها و ذهن‌های دیگری را نیز به خدمت گرفت تا در نهایت، متنی پخته و سنجیده فراهم آید:

مشورت، ادراک و هشیاری دهد/ عقل‌ها، مَر عقل را یاری دهد (مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۱۰۴۲).

[ب]. مراقبت‌ها و حساسیت‌های بررسی نسخه‌ی حاضر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عبارت هستند از اولاً متمرکز بودن بررسی‌ها در مراجع تخصصی تا این کار مهم، دستخوش مجادلات روزمره نگردد، ثانیاً فارغ بودن بررسی‌ها از ملاحظات زودگذر و ثالثاً عمیق بودن بررسی‌ها. این مطالبات رهبر انقلاب، حاکی از اهمیت سرشار الگوی پیشرفت است که موجب شده ایشان، حصار و حریم به دور الگوی پیشرفت کشیده و آن را از گزند عوامل مزاحم و بازدارنده، مصون نگاه دارند. روا و صواب نیست که الگوی پیشرفت، به دست و پای‌های منازعات و مناقشات دون‌پایه‌ی سیاسی و حزبی فروکاهیده شود، یا نیروهای کوتاه‌اندیش و غوغاسالار، درباره‌ی اش اظهارنظر کنند، یا به‌عنوان امری تبلیغی و صوری، در امتداد هدف‌های دیگر قرار گیرد و منزلت اصلی و موضوعیت مستقل خود را از دست بدهد. پس باید مراقب بود که بررسی الگوی پیشرفت، از اختلافات سطحی و جاری، برکنار بماند و به‌واسطه‌ی مباحثات غیرعالمانه و سطحی‌اندیشانه، اعتبار و حیثیت معرفتی آن، آسیب نبیند.

[ج]. جهات و لایه‌های بررسی نسخه‌ی حاضر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز عبارت اند از اولاً کفایت، ثانیاً قابلیت تحول‌آفرینی و ثالثاً قابلیت اجرا. پس باید ارزیابی کرد که آیا نسخه‌ی حاضر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ریشه‌های فلسفی و سرچشمه‌های نظری مشخص دارد؟ آیا ادبیات و واژگان به‌کار گرفته‌شده، در شأن و مرتبه‌ی یک متن راهبردی هستند؟ آیا متن نگاشته‌شده، می‌تواند نظام اجتماعی تازه‌ای را بیافریند و به‌صورت کامل و کافی، جایگزین الگوی توسعه‌شده شود و حاجت ما را به آن منتفی سازد؟ آیا در متن آن، تمام اضلاع و جوانب لازم برای تدبیر دینی جامعه و حکمرانی خداپسندانه، در نظر گرفته شده و این متن، از صفت جامعیت برخوردار است؟ آیا وضوح مفهومی و شفافیت معنایی آن به حدی هست که بتواند خود را از الگوی توسعه، تمایز دهد و منزلت مستقل داشته باشد؟ آیا از وجوه عینی و عملیاتی نیز سخن به میان آمده و لایه‌های کاربردی نیز در نظر گرفته شده‌اند؟ پرسش‌هایی از این دست، باید به‌مثابه معیار و محک، در چنین ارزیابی و سنجشی به‌کار گرفته شوند تا سند الگوی پیشرفت، از اتقان و استحکامی در تراز چهل‌سالگی انقلاب، برخوردار شود.

نتیجه‌گیری:

[الف]. اصل مسأله و معضله‌ی ای که با آن دست‌و‌پا می‌خوریم، گریبان‌هستیم، نفوذ است؛ چه نفوذ ساختاری و چه نفوذ فردی. نفوذ، ما را از حرکت تکاملی شتابان، بازداشته و از درون و به‌صورت رسمی، ما را قفل کرده است. ما همیشه از پشت، خنجر خوردیم و نیروهای نفوذی بوده‌اند که تجدد را بر ما تحمیل کرده و به انقلاب، گزند رسانده‌اند. نظریه توسعه که از دهه‌های پیش از انقلاب بر جامعه ایران تحمیل شد و دوره‌ی پسانقلاب

نیز هر چند با پاره‌ و زنج‌؛ ای جرح‌ و زنج‌؛ و تعدیل‌ و زنج‌؛ ها، همچنان به اجرا درآمد، مصداق اتمّ نفوذ ساختاری و هنجارین است. پس نه‌ و زنج‌؛ فقط بر بسیاری از ساختارهای انقلاب، نیروهای تجدّی حاکم هست، بلکه افزون بر این، غلبه ساختاری تجدّد، مانع تحركات انقلابی شده است. گره و مشکل اصلی، در ساختار است و این ساختار، همواره خودش را بازتولید کرده و می‌ و زنج‌؛ کند و به این واسطه، کار را دشوارتر می‌ و زنج‌؛ نماید. پس مسأله این است که تجدّد، بر ما غالب شده و غلبه‌ و زنج‌؛ اش نیز، از نوع غلبه ساختاری است و این ساختار، خود را بازتولید می‌ و زنج‌؛ کند. از سوی دیگر، تجدّد از لحاظ انسانی نیز بومی و وطنی شده است، چنانچه الگوی پیشرفت تحقق یابد، نظریه توسعه تجدّی، از ساحت تدابیر رسمی ما کنار نهاده خواهد شد، اما باید مراقب بود که دشمنی که در بیرون رانده شده، از پنجره داخل نشود و دوباره، زمام و عنان امور انقلاب را در دست نگیرد؛ وَ مَنْ تَامَ لَمْ يُتَمَّ عَنْهُ؛ همانا، جنگجو بیدار است، و آن‌ و زنج‌؛ که به خواب رود، چشمی پی او، باز و هشیار (نهج‌ و زنج‌؛ البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، نامه ۶۲)

[ب]. فقر ما، فقر تنوریک است؛ ما در مقام تنوریزه کردن آرمان‌ و زنج‌؛ ها و ارزش‌ و زنج‌؛ های بنیادین انقلاب، کوتاهی ورزیدیم، حال آن‌ و زنج‌؛ که باید از روز نخست پس از انقلاب، اهتمام خاص به آن می‌ و زنج‌؛ داشتیم. نظر مغز متفکر انقلاب، آیت‌ و زنج‌؛ الله شهیدمرتضی مطهری در سال پنجاه‌ و زنج‌؛ وهفت و در کتاب نهضت‌ و زنج‌؛ های اسلامی در صدساله اخیر این بود که نیروهای فکری انقلاب، از نظریه‌ و زنج‌؛ پردازی و برپا کردن مکتب و نظام فکری و اجتماعی مستقل، غفلت کرده‌ و زنج‌؛ اند و از این‌ و زنج‌؛ رو، چنانچه انقلاب به پیروی برسد، دست ما از نظریه‌ و زنج‌؛ ها و مکاتب‌ و زنج‌؛ ها و نظام‌ و زنج‌؛ های اجتماعی غیرغربی و دینی، تهی خواهد بود. این ضعف درونی، در دوره پساانقلاب نیز ادامه یافت و ما در طول دهه‌ و زنج‌؛ های گذشته، تا حدّ درخور توجهی، مصرف‌ و زنج‌؛ کننده و مقلّد نسخه‌ و زنج‌؛ های تجدّی بوده‌ و زنج‌؛ ایم. به هر حال، مسأله این است که به‌ و زنج‌؛ دست گرفتن نهادهای حاکمیتی همچون دولت و مجلس، در حالی‌ و زنج‌؛ که فکر انقلابی نداریم و شعارها و اندیشه‌ و زنج‌؛ ها و مطالبات‌ و زنج‌؛ مان، تنوریزه نشده است، حاصلی ندارد، بلکه شاید مضرّ باشد. از این‌ و زنج‌؛ رو، باید نظریه‌ و زنج‌؛ های خود را به راهبرد و سیاست و آن‌ و زنج‌؛ گاه به برنامه و طرح عملیاتی تبدیل کنیم. اساسی‌ و زنج‌؛ ترین و فراگیرترین مقوله‌ و زنج‌؛ ای که می‌ و زنج‌؛ تواند کلیّت موضع ما را مشخص کند، الگوی پیشرفت است. انقلاب بی‌ و زنج‌؛ تنوری، اتهامی‌ و زنج‌؛ است که کسانی بر انقلاب اسلامی روا می‌ و زنج‌؛ شمروند، اما امروز با تکیه بر اندیشه‌ و زنج‌؛ ها و آرائی که تولید شده و نه‌ و زنج‌؛ فقط نظریه توسعه تجدّی را به چالش کشیده‌ و زنج‌؛ اند، بلکه نظریه پیشرفت را بر سر دست گرفته و آن را پرچم‌ و زنج‌؛ داری می‌ و زنج‌؛ کنند، دیگر نمی‌ و زنج‌؛ توان مانند گذشته قضاوت کرد.

[ج]. در حالی‌ و زنج‌؛ که عده‌ و زنج‌؛ ای تلاش می‌ و زنج‌؛ کنند با وقت‌ و زنج‌؛ گشی، اقتصاد را متوقف و معطل نگاه دارند تا مردم از لحاظ معیشتی، قفل شوند و در نهایت، رهبر انقلاب در شرایط از پیش طراحی‌ و زنج‌؛ شده، محصور و دچار استیصال شود و در چارچوب مصلحت، از حقیقت منصرف گردد، رهبر انقلاب با این اقدام خویش، ابتکار عمل را به‌ و زنج‌؛ دست گرفت و نیروهای رسمی تجدّی را منفعل نمود. نیروهای تجدّی و غیرانقلابی در درون ساخت رسمی، قصد داشتند از طریق اسلام سکولار و رحمانی!، بستر تحقّق تجدّد را فراهم کنند و انقلاب را به ذیل تاریخ غرب، سوق دهند، اما این رویکرد براندازانه و استحال‌ و زنج‌؛ طلبانه، با تجدیدنظر ساختاری رهبر انقلاب در اصل و اساس الگوی توسعه، خنثی گردید. اینک بر ما فرض است که هر چه در توان داریم را به صحنه آورده و با تکیه بر تمام ذخایر و داشته‌ و زنج‌؛ های نظری خود، به‌ و زنج‌؛ غنی‌ و زنج‌؛ سازی و ارتقاء و تعمیق الگوی پیشرفت پردازیم و سطوح سیاسی و اجتماعی را با آن، همدل و همراه سازیم. اگر چنین نکنیم، چه‌ و زنج‌؛ بسا باز هم نیروهای تجدّی، ساحت سیاسی انقلاب را در دست گرفته و بکوشند انقلاب را از درون، تهی و منفعل گردانند: الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ قِيُولُی عَلَیْکُمْ شِیرَارُکُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ قَلًا یُسْتَجَابُ لَکُمْ؛ امر به‌ و زنج‌؛ معروف و نهی‌ و زنج‌؛ از منکر را وامگذارید که بدترین شما، حکمرانی شما را بر دست گیرند. آن‌ و زنج‌؛ گاه دعا کنید و از شما نپذیرند (نهج‌ و زنج‌؛ البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، نامه ۴۷).

*عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ و زنج‌؛ اسلامی